

سفرهای که فقط برای خوردن نیست



سنت‌ها به صورت جمعی ساخته و توسط جمع نگهداری می‌شود. فضاهای مدرن هم با وجود این‌که مدرنیته به فرد اصالت می‌بخشد، در گردهم‌آمدن و روابط اجتماعی و فرهنگی است که ساخته می‌شود.

1- سنت‌ها به صورت جمعی ساخته و توسط جمع نگهداری می‌شود. فضاهای مدرن هم با وجود این‌که مدرنیته به فرد اصالت می‌بخشد، در گردهم‌آمدن و روابط اجتماعی و فرهنگی است که ساخته می‌شود.

پس هر فضا و فرهنگی چه مدرن و چه سنتی توسط جمع ساخته می‌شود و هر تغییری در هر کدام از آنها هم به صورت جمعی اتفاق می‌افتد. لذا وقتی زمانه تغییر می‌کند و سنتی در دل تجدد حفظ می‌شود، به این معناست که جمع با وجود تغییر زمینه‌های فرهنگی سنتی را حفظ کرده و زمینه مدرن و سنت را تا حدود زیادی منعطف کرده تا با یکدیگر سازگار گردند.

با این دیدگاه با تغییر زمان می‌توان مراسم و گردهمایی‌های سنتی زنده مانده همچون رمضان، نوروز و... را در بعدی تازه اتفاقا یاریگر مدرنیته دانست. مهمانی‌ها، گردهمایی‌های خانوادگی به بهانه افطاری و... به سبب این‌که مدام در بعدی جمعی محک می‌خورد با عوض شدن شرایط و محیط زندگی و گذر از سنت به مدرنیته اتفاقا تبدیل به مقومان مدرنیته می‌شوند، چرا که در فضای مدرن پدرسالاری تحلیل رفته و گفت‌وگو جایگزین تک‌گویی شده است. پس فضا برای گفت‌وگو و هم‌سخنی فرهنگ‌های مختلف در بستر یک رفتار اجتماعی مهیاست. در واقع، هرگونه کنش جمعی و رفتار غیرفردی در بستر جامعه‌ای مدرن باعث تقویت فضاهای جدید و ساختن جامعه‌ای پویا می‌شود. در این شرایط، رفتارهای جمعی باقیمانده و حفظ‌شده از سنت - مثل افطاری خوردن - فضایی چند بعدی و متنوع به لحاظ فرهنگی ایجاد می‌کند و نمونه‌ای از همان فضاهای پویا و تازه‌شونده اجتماعی می‌شود.

یک سنت در گذر زمان به دلیل استحکام و پایداری‌اش در سطح جامعه با مقتضیات زمان هماهنگ می‌شود و با ادامه حیات در بستر اجتماعی تازه رویه‌های مدرن را تقویت کرده و جذب می‌کند. این در حالی است که تصور پیشین همواره این بوده است که رویه‌ها و نمادهای سنتی اعم از مذهبی و غیردینی عاملی برای مقاومت در برابر مدرنیته است، اما این دیدگاه همواره صحیح نیست و در خیلی موارد پیچیدگی‌های زیادی وجود دارد که تقابل را به تأثیر و تأثر و تعامل تبدیل می‌کند، در جوامع مدرن هم‌اکنون بسیاری از مراسم‌های مذهبی و سنتی ادامه دارد و پابرجاست و تبدیل به نمادهایی از جامعه مدرن شده است. تصور دوقطبی سنت و مدرنیته که هر چیزی را که نشان از سنت دارد مقابل هر چیز مدرن و در تقابل با آن تعریف می‌کند، دیدی ماهیت‌پندار و بی‌تغییر را بر تحولات و پدیده‌های تاریخی و فرهنگی تحمیل می‌کند، این در حالی است که سنت امری است که با توافق اجتماعی مردمان و در بستر فرهنگ عامه شکل می‌گیرد، تداوم می‌یابد یا تغییر پیدا می‌کند، لذا همین توافق عمومی و فرهنگ عامه می‌تواند در بسترهای متفاوت اجتماعی ضمن حفظ یک سنت آن را اصلاح کند یا موارد و پدیده‌های تازه را با آن سنت هماهنگ گرداند.

ماه رمضان حامل یک سنت نیست، بلکه مجموعه‌ای از سنت‌ها و اخلاقیات اجتماعی را در کنار هم دارد. سحری، افطاری، آداب روزه‌داری، اخلاق برخورد با روزه‌دار و... بخشی از این سنت‌هاست. در بسیاری از کشورهای اسلامی، افطاری در خیابان‌ها و معابر عمومی اتفاق می‌افتد. با این‌که در ایران مراسم افطاری به این شکل کمتر انجام می‌شود، اما در هر حال، این سنت اغلب به شکل جمعی رخ می‌دهد. افطاری چه در درون خانواده و چه در مهمانی‌های بزرگ بدیهی است که به صورت جمعی و در تعامل افراد با یکدیگر رخ می‌دهد، اما این آیین جمعی مانند هر آیین دیگری در گذر تغییرات جامعه هم تغییر می‌کند، لذا جامعه ایران که نسبت به سده‌ها و قرون گذشته - دست‌کم در 50 سال اخیر - با شتابی نسبتاً زیاد مدرن شده، همچنان سنت‌هایی چون رمضان را در خود دارد، افطاری به عنوان یک مراسم جمعی در آن گرم و زنده است و خانواده‌ها را به شکلی متفاوت نسبت به روزهای معمولی سال کنار هم جمع می‌کند. همین پیش چشم هم و در نگاه یکدیگر بودن گفت‌وگو را ناگزیر می‌کند و اعضای خانواده ایرانی را مجبور به همنشینی با یکدیگر می‌کند و در نتیجه افق تازه‌ای را از گفت‌وگوی فرزندان و والدین ایجاد می‌کند که چیزی شبیه به گفت‌وگوی دو نسل و دو فرهنگ در مینیاتوری از جامعه است.

در یک جامعه پدرسالار و بسته هر حرکت جمعی بیشتر از تعامل به نوعی مواجهه یکسویه بدل می‌شود، اما با فرض تغییر این هرم و الزام قانع‌کردن نسل آینده توسط نسل گذشته؛ الزام قانع‌کردن فرزند توسط والدین است که در واقع بستری به مانند رمضان مقوم تحولات تازه جامعه می‌شود و دل سنت‌های پدرسالار و یکسویه خارج شده به بستری برابر و گفت‌وگومحور ملحق می‌شود. در جامعه‌ای که زمینه‌های پدرسالاری، تک‌گویی یا هرگونه اتوریته از سوی یک نسل بر نسل دیگر سست شود، مراسم سنتی اعم از مذهبی

و غیرمذهبی می‌شود جایگاهی برای ملاقات آدم‌ها و بازتعریف خود در پیشگاه نگاه دیگری. چنین چیزی در افطاری‌های جمعی و مفصلی که در پاتوق‌ها رخ می‌دهد، در گردهمایی‌های شادی‌آور رمضان به طریق اولی رخ می‌نمایند و برجسته می‌گردد.

2- شب‌های رمضان ترکیب آشنایی است. مسابقه فوتبال هست، گردش‌ها و قدم‌زدن‌هایش، دورهم‌ها و سریال‌هایش و... همه شب‌های رمضان را پر از سرگرمی و تفریح می‌کند. رمضان از افطار شکلی دیگر دارد، نوعی زندگی جمعی شاد که فارغ از تفاوت‌های فرهنگی و طبقاتی، مردم را به خیابان‌ها و مصرف امور و فضاهای مربوط به سرگرمی که ذاتا جایگاهی فرهنگی است، می‌کشاند. تأثیرها پس از افطار به نمایش در می‌آیند، برخی سینماها در طرح‌های جذابی - که البته هیچ‌گاه کامل و دقیق اجرا نشد - تا سحر مشغول کارند و فیلم نمایش می‌دهند، پارک‌ها شلوغ و پر از پرسه‌زن است و خلاصه شهر بیدار می‌شود. این زندگی بیدار و رنگارنگ در شب‌های رمضان انگار که پتانسیل و عقده‌های شهرها را تخلیه می‌کند. نکته اساسی این است که رمضان در ذات زمان اوقات فراغت نیست، اما به فراغتی خودخواسته و تعمدی توسط شهروندان تبدیل می‌شود، برای داشتن فضایی تازه و متفاوت از بقیه سال. در غالب اسطوره‌ها همواره بخشی از سال مختص به شادی و شب زنده‌داری و آیین‌های جمعی بوده است. در آنها نوعی بازسازی طبیعت مورد نظر است، با خوشحالی افراطی و شادی‌ها و کارناوال‌های مختلف نوعی آماده‌سازی برای شروع دوباره و نظم جدید رخ می‌دهد. این نکته درباره شهرهای مدرن هم صادق است، گرد هم آمدن، دور هم جمع شدن، شادی‌ها و زندگی شبانه در بستر فرهنگی هر جامعه می‌تواند همچون توقفگاهی برای جمع‌آوری انرژی تازه و نوشدن جامعه باشد.

شب‌های ماه رمضان که گویی در آنها حیات تازه شروع می‌شود، جایی برای همین یافتن انرژی دوباره و بی‌نظمی برای شروع نظم تازه است. تزکیه که یکی از امور ذاتی رمضان و روزه‌داری است به نوعی اتفاقا در این زندگی شبانه قابل مشاهده است و تحول از نوعی تغییر اینجا به طور جمعی است که رخ می‌دهد. در قالب دور هم جمع شدن‌های طولانی آدم‌ها در شب‌های بیدار و خوش است که جامعه دوباره دور هم بودن را فارغ از مشغولیت‌ها و عصبیت‌های روزمره پیدا می‌کند، درست همان‌گونه که خانواده‌ها دوباره یکدیگر را پیدا می‌کنند و فامیل دوباره در مهمانی‌های افطاری دیدارها را تازه می‌کنند. توصیه‌هایی که به آشتی و ادامه ندادن فاصله‌ها در ماه رمضان شده است چیزی جز تأکید بر همین حس اجتماعی ملحوظ در این ماه نیست.

در بیشتر بحث‌ها درباره رمضان به همان ساعات روزه‌داری و اخلاقیاتش تکیه شده و بخش عمده‌ای از این ماه که در شب‌ها و سحرها می‌گذرد، مغفول مانده است. رمضان یک مجموعه چندوجهی است که نمی‌توان آن را صرفا در اخلاقیات و آداب روزه‌داری دید، بلکه سنت‌های مختلف و متنوع آن و ورود فرهنگ‌های مختلف در آن سر و شکلش را در دوران مختلف دگرگون می‌کند. لحظه‌های مختلف و متفاوت رمضان کارکردهایی مختلف و متفاوت هم دارند که شب‌ها را از روزها و افطار را از سحر متفاوت می‌کند.

تمام اینها از سنت‌های رمضانی و خاصه از افطار و شب‌های رمضان فضایی بینافرهنگی می‌سازد که به گفت‌وگو و ارتباط نزدیک‌تر و صمیمانه‌تر آدم‌ها منجر می‌شود و اتفاقا در بستر متجدد یا رو به تجدد با وجود تضادهای احتمالی کوچک در نهایت مقوم فضاهای مدرن و شهرهای تازه و فضاهای فرهنگی نو می‌گردد.

علیرضا نراقی / جام‌جم